

امام حسین علیه السلام در شعر شیعی شریف رضی

دکتر احمد امیدعلی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۰

چکیده

امام حسین علیه السلام و نهضت عظیم ایشان انقلابی در عالم ایجاد کرد که مسیر تاریخ بشری را تغییر داد، انقلابی که تمام ابعاد بشری تحت تاثیر آن قرار گرفت. ادبیات یکی از همان ابعاد است که این نهضت بر آن تاثیر گذاشت و آن را به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار نهضت همراه خود ساخت. شریف رضی یکی از ادبای شاخص ادبیات شیعی است که توانست با آثار علمی و ادبی خود یاری رسان این نهضت حسینی باشد. ولی آن چه هدف این پژوهش بوده، این است که شریف رضی چه میزان از شعرش را در راستای نهضت حسینی و زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام، عاشورا و کربلا قرار داده است. برای رسیدن به پاسخ این سوال از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در پایان این نتیجه حاصل شد که تمام اشعار شیعی شریف رضی در رثای امام حسین علیه السلام و ذکر مصیبت‌های ایشان سروده شده و توانسته است به خوبی این نهضت را یاری نماید.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، شریف رضی، شعر شیعی، مرثیه.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک a-omidali@araku.ac.ir

مقدمه

یکی از عوامل ماندگاری نهضت عاشورا، ادبیات و شعراست. زیرا شعر در قالب مرثیه، دل‌های آتش گرفته و غمبار را با حقیقت نهضت حسینی و حوادث ظهر عاشور مرتبط می‌سازد. شاعران شیعی پرداختن به واقعه عاشورا را بر خود فرض می‌دانند و علت آن، عشق به امام حسین علیه السلام و سفارش امامان معصوم علیهم السلام در زنده نگهداشتن این قیام مبارک، می‌باشد. شریف رضی یکی از همین شاعران است که زنده نگه داشتن واقعه عاشورا و نهضت حسینی را بر خود فرض دانسته و با وجود محدودیت‌های فراوان، تمام تلاش خود را برای این مهم، به کار بسته است.

هدف از انجام پژوهش حاضر، تبیین این نکته است که جایگاه امام حسین علیه السلام را در شعر شریف رضی بررسی نماید. همچنین هدف از این تحقیق ترویج فرهنگ و ادبیات شیعه و گام برداشتن در جهت معرفت اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام می‌باشد. سوال پژوهش این است که آیا شریف رضی در اشعار شیعی اش به موضوع امام حسین علیه السلام و نهضت حسینی پرداخته است؟ اگر این گونه هست چه میزان از اشعارش را در بر می‌گیرد؟

پیشینه پژوهش

درباره امام حسین علیه السلام و شعر شیعی شریف رضی آثار متعددی به طور جداگانه نوشته شده است ولی تا جایی که پژوهشگر مطلع شده پژوهشی واحد در این زمینه صورت نگرفته است لذا محقق بر آن شد که این پژوهش را به انجام رساند. از جمله این پژوهشها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

"الشریف الرضی (حیاته، ثقافته، ادبه و نقد آثاره)" مؤسسه مطالعات و نشر عربی، کتابی درباره شریف رضی از دانشمندان و ادیبان نامدار شیعه با عنوان «شریف رضی: زندگی، فرهنگ، ادبیات و نقد آثار او» منتشر کرده است. دکتر احمد محمد المعتوق استاد مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه «نفت و معادن ملک فهد» در طهران این کتاب

را در ۳۶۷ صفحه به رشته تحریر درآورده است. این کتاب مطالعاتی تحلیلی درباره شخصیت، آراء و اندیشه‌های شریف رضی که به سال ۴۳۶ هجری قمری درگذشت محسوب می‌شود

"شرح حال و گزیده‌ای از اشعار شریف رضی" عنوان پایان نامه‌ای است که سال ۱۳۷۲ هجری شمسی در دانشگاه اصفهان به وسیله زهره سادات شکرایی دفاع شده است. "الامام الحسين في أدب الأندلس" نوشته دکتر حسین چوبین که در مجله آفاق الحضارة الإسلامية شماره ۱۳ در ۱۰ صفحه چاپ گشته است. در این مقاله به موارد زیر پرداخته شده است:

۱. معنای لغوی اندلس تاریخ و ادبیات اندلس ۲. ادبیات شیعه در اندلس ۳. سنت‌ها و مراسم اندلسی‌ها در شهادت امام حسین علیه السلام ۴. شاعران اندلسی که در ثنای امام حسین علیه السلام و هجای بنی امیه شعر سروده‌اند ۵. دو قصیده در مدح امام حسین علیه السلام که دکتر چوبین سروده است.

"الشريف الرضي الملحمة الهاشمية واللغة المترفة" این تحقیق نوشته دکتر خالد محیی‌الدین البرادعی شاعر، ناقد و نویسنده سوری است که در مجله المنهاج شماره هشت در ۲۴ صفحه سال ۱۹۹۸ چاپ شده است. این مقاله تلاش دارد که قرائت معاصر از شعر شریف که مبتنی بر فرهنگ معاصر است ارائه دهد، و به بررسی ابعاد شخصیتی شریف می‌پردازد.

جایگاه امام حسین علیه السلام در شعر شیعی

امام حسین علیه السلام نقش بسیار مهمی در بقای دین مبین اسلام دارند و اگر قیام ایشان رخ نمی‌داد قطعاً اثری از دین اسلام نبود. نقش امام حسین در ادبیات شیعی همچون نقش ایشان در بقای اسلام است اگر قیام امام نبود اثری از شیعه و شعر شیعی وجود نداشت، به عبارت دیگر اگر امام حسین علیه السلام را از شعر شیعی بگیریم تقریباً چیزی از آن باقی نخواهد ماند. در ادامه معرفی شعر شیعی خواهد آمد که مهم‌ترین عنصر شعر شیعی عاطفه حزن و اندوه، غضب و حماسه است و منشأ این شور و عاطفه تنها امام حسین علیه السلام است اگر این

ویژگی مهم نبود دیگر احتجاج و منطق شعر شیعی اثری نداشت. به طور کلی شعر شیعی بر دو پایه استوار است نخست، امام علی علیه السلام و غصب خلافت ایشان و ذکر فضایل و مناقبشان دوم، امام حسین علیه السلام و قیام ایشان و ذکر بلاها و مصائبشان، اگر پایه امام حسین علیه السلام نبود پایه نخست هم از بین می‌رفت و اثری از اسلام، شیعه و ادبیات شیعی نبود. به عبارت دیگر امام حسین علیه السلام روح اسلام، شیعه و ادبیات شیعی است که با وجود ایشان و عاطفه و اخلاص نسبت به امام، ادبیات شیعی اثرگذار می‌شود.

شعر شاعران شیعی، شعری سیاسی است که در آن دفاع از حقانیت اهل بیت علیهم السلام و عقاید تشیع و مخالفت و حمله آنان بر غاصبان خلافت نمایان است. نعمان القاضی می‌گوید: «شعر شیعی کاملاً سیاسی می‌باشد و سراینندگان این مذهب در تمامی موضوعات شعری همچون مدح، رثاء، هجاء و دفاع از عقاید و... یک هدف را دنبال می‌کردند و آن دفاع از حق غصب شده اهل بیت علیهم السلام بود». (قاضی نعمان، ۱۹۷۶: ۳۸، ۳۹) زکی المحاسنی می‌گوید: «شیعه در شعرش سیاست را با دین آمیخت در حالی که خوارج از حرکات سیاسی به دور بودند و فقط می‌خواستند کلمه الله را به دست بیاورند اما شیعه در کنار نظر دینی، در کار سیاست، صاحب نظر بود.» (محاسنی، ۱۹۶۱: ۸۰)

بنابراین به جرأت می‌توان ادعا کرد که شعر شیعی، شعری سیاسی و دینی می‌باشد. این شعر تمامی مبادی و عقاید شیعه را با دقت و وضوح ثبت کرده و مظهر تمام نمای آن بوده و با دقت این عقاید را بیان کرده است. عامل التزام و تعهد در شعر شیعی احساس تکلیف و عمل به عقیده بوده است. ادبیات شیعی، ادبیات عقیده و باور است.

شعر شیعی در حقیقت یک سند تاریخی، مذهبی و سیاسی است و به اسلوب قرآن کریم معانی آن التزام دارد. شعر شیعی دارای لطافت و رقتی دلنشین و در نهایت صدق و اخلاص است، تا به آن جاکه این رقت شعری در اشعار شیعی به عنوان ضرب المثل مشهود شده است.

أرق من دمة شيعية تبكي علي بن ابي طالب

(میدانی، بی تا: ۳۱۶)

از نکات بارز شعری شاعران شیعی می‌توان به نوآوری در مضمون و الفاظ شعری، کاربرد

استدلال و احتجاج و کاربرد ایمان و عقیده در شعر اشاره کرد. محمد حوفی می نویسد:

حرارت عاطفه، صدق و اخلاص آنان در بیان عقاید و عواطف، همچنین تکیه آنان بر آیات قرآن و استدلال‌های منطقی از خصایص بارز شعر تشیع می باشد که جلوه‌های خاص و متمایز از دیگران به شعر شیعی داده. (حوفی، بی تا: ۱۸۶)

در واقع می توان گفت شیعه اولین گروه از مسلمانان بود که عقیده و سیاست و عاطفه خالص را در ادبیات داخل کرد.

احمد شایب درباره سبک شعر شیعی می نویسد:

شعر شیعی آمیزه‌ای است بین احتجاج و تصویر. کمیت اولین کسی بود که باب احتجاج را برای شیعه گشود.

جاحظ در این باره می گوید:

وی نخستین فردی بود که باب احتجاج را برای شیعه گشود.

نعمان القاضی می گوید:

ادب احتجاج زاییده ادب سیاسی در شیعه است، زیرا سراینندگان این مذهب در تمامی موضوعات شعری، تنها یک هدف را دنبال می کردند و آن دفاع از حق غصب شده بود. (قاضی نعمان، ۱۹۷۶: ۱۴۸)

محمد حوفی درباره اسلوب شعر شیعی چنین می گوید:

روش شعر شیعی با اختلاف موضوعات شعری متغیر است. هنگام حمله بر بنی امیه سبکش قوی و مهیج است چرا که این نوع شعر غضب و خشم درونی آنان را در خصوص بنی امیه به تصویر می کشد، آنچه آنکه در هجوئیات کمیت مشاهده می کنیم، اما هنگامی که برای حق شیعه در خلافت دست به احتجاج می زنند و یا در اشعاری که بشارت به ظهور امام علیه السلام می دهند از سبکی آرام و معتدل استفاده می کنند، همچنان که در سروده‌های کمیت، کثیر و سید حمیری ملاحظه می شود. زمانی که از مصیبت‌ها و دردهایی که امامان معصوم علیهم السلام و دوستانشان متحمل شدند، سخن می گویند از سبکی حزن آلود استفاده

می‌کنند، ولی در مدح اسلوبی قوی، استوار و محکم دارند. (حوفی، بی‌تا: ۱۲۰)

احمد امین درباره اسلوب شعر شیعی می‌گوید:

شیعه دارای دو عاطفه آشکار و قوی بود که دستاوردهای ادبی اش به آن دو برمی‌گردد: «عاطفه غضب و عاطفه حزن، عاطفه غضب به واسطه اعتقاد شیعه مبنی بر سلب حق آنان و غضب امامت که به ظلم و جبر از آنان گرفته شده، می‌باشد و عاطفه حزن به دلیل رفتار تند و خشنی بود که دو دولت اموی و عباسی بر شیعیان وارد کردند. (امین، ۱۹۳۳: ج ۳، ص ۳۰۰)

بنابراین، بسیاری از دیدگاه‌ها و تفکرات مذهب تشیع را در شعر مذهبی سرایندگان آن می‌یابیم و می‌توان گفت شعر مذهبی شیعه، تعبیری زنده و آینه تمام نمای دیدگاه‌ها و اعتقادات شیعیان است.

به طور کلی، موضوعات و مضامین شعر شیعی عبارتند از: احتجاج برای امامت اهل بیت علیهم‌السلام، وصایت ایشان، بیان فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم‌السلام، تشویق و تحریک در شورش علیه غاصبان خلافت، عشق و علاقه شدید به اهل بیت علیهم‌السلام، هجاء دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام، تصویر درگیری‌ها و جنگ‌ها و گریه بر شهیدان راه حق و حقیقت، رثای علی علیه‌السلام و فرزندان او، به ویژه امام حسین علیه‌السلام و تصویر مصیبت کربلا و... پس با توجه به مطالب مذکور، ویژگی‌های شعر شیعی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. اسلوب جدلی و احتجاج در خصوص حق اهل بیت علیهم‌السلام در امر خلافت علی علیه‌السلام و فرزندان او که مبتنی بر منطقی تاریخی است. این اسلوب به صورت ویژه در هاشمیّات کمیت مشهود است.

۲. شعر شیعه سندی تاریخی، مذهبی و سیاسی محسوب می‌گردد.

۳. تاثیر پذیری مضامین از قرآن کریم و احادیث نبوی.

۴. رقت شعری و اخلاص شاعران در شعر شیعه.

۵. فراوانی شعر، متنوع و ممتاز بودن آن.

۶. سلامت، جزالت، حرارت و سوز عاطفه و صداقت.



۷. حزن و اندوه و اشک و مویه، زیرا ادبیات شیعه صورت صادقی از مصائب علویان است. (سید کیلانی، ۱۹۹۶: ۲۵)

جستاری در زندگی نامه شریف رضی

ابوالحسن محمد بن بی‌احمد به سال ۳۹۵ ق. در محله شیعه‌نشین کرخ بغداد، در خانه علم و ایمان دیده به جهان گشود. (ابن تغری، ۱۹۶۳: ج ۴، ص ۲۴۰) محمد که بعدها به "شریف رضی" و "سید رضی" شهرت یافت از خاندانی برخاست که همه از بزرگان دین و عالمان و عابدان و زاهدان و پرهیزکاران روزگار بودند. نسل او به حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌رسد.

پدر و مادر سید رضی هر دو از سادات علوی و از نوادگان حسین بن علی علیه السلام بودند. نسب وی از جانب پدر با پنج واسطه به امام هفتم می‌رسد. (امین عاملی، ۱۴۲۱: ج ۹، ص ۲۱۶) از این روگاهی شریف رضی را "موسوی" می‌خوانند و از طرف مادر نسب وی با شش رابطه به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد. سید رضی دانشمندی است که در تمام رشته‌های علوم روزگار خود و در همه آن‌ها از فقه و اصول و علوم و فلسفه و تفسیر و حدیث گرفته تا علوم بلاغی و ادبی، کم نظیر بود. اما شعر او بر سایر جهات او غلبه داشت. ایشان حتی پیش از تألیف نهج البلاغه سخت تحت تأثیر سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار داشت و در برخی از اشعارش از کلام حکمت آمیز امام علی علیه السلام استفاده کرده است.

سید رضی محو در جمال تابناک آیات الهی دست به قلم برد تا قطره‌ای از دریای بیکران تعالیمش را بر صفحه روزگار جاری سازد. ثمره این تلاش با اخلاص، سه گنجینه گران سنگی است که برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشت: تلخیص البیان عن مجازات القرآن، حقایق التاویل فی متشابه التنزیل، معانی القرآن. دیگر آثار او عبارتند از: خصایص الائمة، الزيادات فی شعرا بی تمام، تعلیق خلاف الفقهاء، کتاب مجازات آثار النبویه، تعلیقه بر ایضاح ابی‌علی، الجید الحجاج، مختار شعرا بی اسحق الصابی، کتاب "ما دار بینه و بین ابی اسحق من الرسائل" و دیوان اشعار. (پیشین، ۲۱۶)

اما نهج البلاغه، اثری متفاوت از آثار دیگر سید است، نهج البلاغه تنها کتابی است

که درباره اش گفته اند: از کلام خدا پایین تر و از گفتار خلق خدا فراتر است؛ گفتاری که ریشه در وحی خدا دارد و چنان زلال و شفاف است که آدمی را ناخودآگاه به سوی خویش جذب می‌کند و تمامی خردمندان منصف را به شگفتی وامی‌دارد. وی در مقدمه‌ای که بر این اثر نفیس نوشته آورده که: بعد از اتمام کتاب چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم، زیرا این کتاب درهای بلاغت را به روی بیننده می‌گشاید و خواسته‌هایش را به نزدیک می‌سازد. این کتاب هم مورد نیاز دانشمند و عالم، هم دانشجو و متعلم است، هم خواسته‌شخص بلیغ و زاهد در آن یافت می‌شود. سید رضی در ادامه می‌گوید: در بین کلمات امام علیه السلام سخنان شگفت‌انگیزی در مورد توحید، عدل و تنزیه خداوند از شباهت به خلق می‌بینم که تشنگان را سیراب کرده و پرده‌ها را از روی تاریکی‌های شبها بر می‌دارد. (دوانی، ۱۳۵۹: ۱۶۱) سرانجام سید رضی در ۶ محرم ۴۰۶ در کرخ بغداد درگذشت و به همراه برادرش مرتضی در کنارش جدش امام حسین علیه السلام دفن شد. (بحرانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۸۹)

شایان ذکر است که شعر شیعی شریف رضی از میان دیوان شعرش، شامل ۶ قصیده یا ۲۸۶ بیت می‌باشد.

امام حسین علیه السلام در دیوان سید رضی

۱. معرفی قصیده «هدی المنازل بالغمیم فناها» (شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۱، ص ۴۰۷).
این چکامه مرثیه‌ای است که شریف رضی در رثای امام حسین علیه السلام روز عاشورای سال ۳۹۱ هجری قمری در ۵۸ بیت سروده است. شاعر در بیت‌های نخست مقدمه‌ای غزلی برای ورود به موضوع رثا سروده است که سراسر غم و اندوه است و از الفاظ رکیک و زشت استفاده نشده است. شاید هدف از سرودن چنین مقدمه‌هایی در این نوع شعر (شعر شیعی) آماده ساختن مخاطبان جهت استماع و جلب نظر آنان باشد و این که موضوع اصلی امر بسیار مهمی است که شاعر با تأنی و تأمل می‌خواهد به آن موضوع وارد شود و صلاح می‌بیند که برای چنین موضوع مهمی با مقدمه چینی وارد شود و می‌توان گفت در چنین اشعاری که دارای مقدمه غزلی هستند شاعر زمام نفس خود را در دست گرفته و



می‌تواند احساسات فوّران کرده خویش را کنترل کند. و دلیل دیگر که شاعر رشای امام حسین علیه السلام را با غزل آغاز می‌کند، ممکن است تقلید و پیروی از سبک رایج شعر در دوران ادبی او باشد. به هر حال غزل‌هایی که در مقدمه چنین چکامه‌هایی توسط شاعران شیعی سروده می‌شود تحت تأثیر موضوع اصلی شعر قرار می‌گیرند و روح حزن و حسرت و غم و اندوه بر آن مستولی می‌شود.

شانزدهمین بیت این چکامه حسن تخلص شاعر می‌باشد، از این بیت وارد موضوع اصلی که رشای فرزندان فاطمه علیها السلام به ویژه امام حسین علیه السلام می‌شود. پس از ذکر حسن تخلص در شش بیت امویان و کرداران آن در حق اهل بیت علیهم السلام را نکوهش می‌کند و می‌گوید: آنان با این کار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دشمن خود کردند و چه بد توشه‌ای برای آخرت خویش برداشتند.

شَغَلَ الدَّمُوعَ عَنِ الدِّيَارِ بُكَاءُنَا لِبُكَاءِ فَاطِمَةَ عَلَى أَوْلَادِهَا
أَتْرَى دَرَّتْ أَنْ الْحُسَيْنِ طَرِيدَةً لَقْنَا بَنِي الظَّرْدَاءِ عِنْدَ وِلَادِهَا
كَأَنْتَ مَا تَمُّ بِالْعِرَاقِ تُعَدُّهَا أُمُويَّةٌ بِالشَّامِ مِنْ أَعْيَادِهَا

ترجمه: - به خاطر گریه حضرت زهرا علیها السلام بر فرزندانش، ما دیگر بر خانه‌های محبوب گریه نمی‌کنیم و بر فرزندان ایشان می‌گرییم. - آیا حضرت زهرا علیها السلام هنگام تولد فرزندش حسین علیه السلام دانست که او شکار نیزه‌های رانده شدگان می‌شود. - در عراق ایام عزایی وجود دارد که امویان آن ایام را در شام عید می‌گیرند.

سپس در دو بیت بعد تصویری از سرهای بریده فرزندان پیامبر و خون‌های جاری ایشان مصوّر می‌سازد.

نَسَلُ التَّبِيِّ عَلَى صِعَابِ مَطِيَّهِ وَدَمُ التَّبِيِّ عَلَى زُؤُوسِ صِعَادِهَا
وَ لَهْفَتَاهُ لِعُصْبَةِ عَلَوِيَّةٍ تَبَعَتْ أُمِّيَّةً بَعْدَ عِرْقِيَادِهَا

ترجمه: - فرزندان پیامبر صلوات الله علیه وآله بر شترانی سرکش سوارند و خون پیامبر روی نوک نیزه‌ها قرار دارد. - آه و افسوس بر گروهی علوی که بعد از عزت پیشوایی و رهبری امویان اکنون به دنبال آنان حرکت می‌کنند.

سپس انگیزه و اهداف بنی امیه را در چنین اقدام وحشیانه‌ای به تصویر می‌کشد و در پایان این قسمت می‌گوید:

خران بنی امیه منبر خلافت را از بین بردند و گرگان بنی امیه بر چوب‌های این منبر جهیدند و آن را آبتن بلاها و مصیبت‌ها کردند.

در بیت بعد خلافت را امری الهی می‌داند که خداوند به وسیله وحی آن را برای پیامبر ﷺ بیان کرده است. سپس علویان را مدح و ستایش می‌کند و آنان را به شجاعت، زهد و مناقب بی‌پایان ستایش می‌کند. شاعر در بیت بعد، غیرت الله را مخاطب می‌سازد و از او می‌خواهد که به خاطر پیامبر ﷺ خشمگین شود و شمشیرها را علیه امویان و یزید و زیاد از غلاف خارج کند و در سه بیت بعد می‌گوید:

اموال و ثروت‌های الهی در دست امویان است و داستان خاندان الهی در غل و زنجیر امویان است آنان با شمشیر پیامبر ﷺ به فرزندانش ضربه زدند و آنان را از حق خود دور کردند.

شاعر، سپس کاروان و شترانی را که به قصد زیارت کربلا در حرکت هستند توصیف می‌کند و به آنان می‌گوید با وجود گناه آلود بودن در کربلاء توقف کنید، سرزمینی که پرندگان و وحوش زائران آن هستند و قطرات اشک بر آن جاری و روان است.

قِفْ بِی وَلَوْ كُوتَ الْإِزَارِ فَأَتَمَّا هِيَ مُهَجَّةٌ عَلَيَّ الْجَوَى بِفُؤَادِهَا
بِالطَّفِّ حَيْثُ غَدَا مُرَاقٌ دِمَائِنَا وَمُنَاخُ أَيْنَقَهَا لِيَوْمِ جِلَادِهَا
الْقَفْرِ مِنْ أَرْوَاقِهَا، وَالظَّيْرُ مِنْ طُرَاقِهَا، وَالْوَحْشُ مِنْ عُوَادِهَا

ترجمه:- یک لحظه نزد من بایست که غم جان و دل مرا فرا گرفته است. - در کربلا نزد من بایست آن جایی که محل ریختن خون ما شد و محل فرود شتران در روز جنگ. - برگ‌های این سرزمین خشک هستند و میهمانان آن پرندگان و بازدیدکنندگان آن جا حیوانات وحشی هستند.

در سه بیت بعد روز عاشورا مخاطب شاعر می‌گردد و حالات درونی خویش را مصوّر می‌سازد و بعد از آن امام حسین علیه السلام را مخاطب قرار می‌دهد و غم و اندوه

درونی خویش را برای ایشان به تصویر می‌کشد و می‌گوید اشک‌های من صبح و شب و همیشه بر تو جاری است.

يَا يَوْمَ عَاشُورَاءَ كَمْ لَكَ لَوْعَةً تَتَرَقَّصُ الْأَحْشَاءُ مِنْ إِقَادِهَا
ترجمه: ای روز عاشورا چه آتشی در دل ماست که به واسطه آن دل ما در تلاطم و جوشش است.

ابیات پایانی را به مدح و ستایش اهل بیت علیهم‌السلام به پایان می‌رساند و این ثنا و ستایشش را در برابر عظمت و فضایل بی‌پایان ایشان بسیار ناچیز می‌داند.

۲. معرفی قصیده «کربلا لازلت کربلا» (شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۱، ص ۹۳)

این قصیده در ۶۲ بیت، مرثیه‌ای در رثای امام حسین علیه‌السلام است. شاعر بدون مقدمه و تغزل به موضوع کربلا می‌پردازد و نخستین کلمه‌ای که بر زبان جاری می‌سازد کلمه کربلاست. گویا کربلا آتش غمی در وجود شاعر انداخته است که او ابتدا کربلا را مخاطب خود قرار می‌دهد. درده بیت ابتدایی تصاویر حوادث و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، در صحنه کربلا نمایش داده می‌شود و در این تصویرگری، در حالی که کربلا مخاطب شاعر است می‌گوید: ای کربلا چه بسیار اشک‌ها و خون‌هایی که بر تو جاری گشت و...

كَرْبَلَا، لَا زَلَّتْ كَرْبَلًا وَبَلَا مَا لَقِيَ عِنْدَكَ أَلَّ الْمِصْطَفَى
كَمْ عَلَى تُرْبِكَ لَمَّا صُرِّعُوا مِنْ دَمٍ سَالَ وَمِنْ دَمِ جَرَى
وَضِيْفٍ لِفَلَاةٍ قَفْرَةٍ نَزَّلُوا فِيهَا عَلَى غَيْرِ قَرَى
لَمْ يَدُوُّوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا بِحِدا السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى
تَكْسِفُ الشَّمْسُ شُمُوساً مِنْهُمْ لَا تُدَانِيهَا ضُيَاءٌ وَعُلا

ترجمه: -ای کربلا چه بر سر خاندان پیامبر علیهم‌السلام آمده است که هنوز غم و گرفتاری داری؟ - آن زمان که بر خاک کربلا افتادند چه بسیار خون‌ها و اشک‌هایی جاری شد. - چه بسیار میهمان‌هایی که بدون میزبان و پذیرایی در این سرزمین خشک و بی‌آب و علف فرود آمدند. - آنان آب نچشیدند تا این که با تیزی شمشیر بر آبخور مرگ جمع شدند. - خورشید چهره خورشیدهای اهل بیت علیهم‌السلام را پوشاند و درخشندگی و بلند مرتبگی

خورشید به آنان نزدیک هم نمی تواند شود.

سپس شریف رضی در ایات بعد، پیامبر ﷺ را مخاطب قرار می دهد و تصاویر صحنه کربلا را مجسم می سازد. و درشش بیت بعد ظالمان و طاغوتیان مورد خطاب قرار می گیرند و بدین روش تصاویر دیگری از حوادث کربلا و مصیبت های اهل بیت علیهم السلام به ویژه اسارت زنان اهل بیت علیهم السلام و حالاتشان را مصور می نماید. شاعر به آنان می گوید: «این رفتارها و عملکردها پاداش پیامبری که در هدایت مردم هیچ کوتاهی نورزیده، نمی باشد.» در ایات بعدی علت شهادت امام حسین علیهم السلام را کینه هایی که مردم از پدرش علی علیهم السلام و جدش پیامبر ﷺ داشتند می داند و به واسطه کشته شدن امام حسین علیهم السلام ستون دین و لوای هدایت واژگون گشت. چگونگی شهادت، غسل تکفین و تشییع امام حسین علیهم السلام در این ایات مصور گشته است و همچنین فریاد خواهی امام حسین علیهم السلام از جدش رسول الله ﷺ و پدر و مادر گرامی اش به تصویر کشیده شده است.

جَزُرُوا جَزْرَ الْأَصْحَى نَسَلَهُ	ثُمَّ سَأَقُوا أَهْلَهُ سَوْقَ الْإِمَا
مُعْجَلَاتٍ لَا يُوَارِيَنَّ صُحَى	سَنَنْ الْأَوْجُهَ أَوْ بَيْضَ الطَّلَى
هَاتِفَاتٍ بِرَسُولِ اللَّهِ فِي	بُهْرِ السَّعَى، وَعَثْرَاتِ الْخَطَى
يَوْمَ لَا كِسْرَ حِجَابٍ مَانِعٍ	بِذُلَّةِ الْعَيْنِ وَلَا ظِلَّ خَبَا
يَا قَتِيلًا قَوَّضَ الدَّهْرُ بِهِ	عُمَدَ الدِّينِ وَأَعْلَامَ الْهُدَى
قَتَلُوهُ بَعْدَ عِلْمٍ مِنْهُمْ	أَنَّهُ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَا
غَسَلُوهُ بِدَمِ الطَّعْنِ، وَمَا	كَفَّنُوهُ غَيْرَ بَوَّغَاءِ الثَّرَى

ترجمه: فرزندان پیامبر را مانند گوسفندان قربانی سر بریدند و بعد از آن خانواده اش را مانند کنیزان بردند. - چه خانم های که با شتاب برده می شدند و سپیدی چهره ها و گردن هایشان را نمی توانستند بپوشند. - و با صدا های بریده بریده و افتان و خیزان و با پاهای لغزان رسول خدا را صدا می زدند. - در روزی که تکه ای حجاب مانع نگاه چشم ها نبود و هیچ سایه خیمه ای بر سر آنان نبود. - ای کشته ای که روزگار به واسطه آن ستون های دین و پرچم های هدایت درهم شکست. او را بعد از این که فهمیدند پنجمین اهل



کساست، کشتند. - و با خون نیزه‌ها کشتند و با خاک زمین کفن کردند.

در ادامه پیامبر ﷺ، فاطمه علیها السلام و علی علیهما السلام مورد سؤال شاعر قرار می‌گیرند و شاعر می‌پرسد: چگونه است که خداوند به خاطر این مصیبت زمین را زیور و نمی‌کند و آسمان اهل زمین را سنگسار نمی‌کند که اگر چنین کاری را که یزید با فرزندان قیصر و هرقل می‌کرد قطعاً عذاب نازل می‌گشت.» در چهاربیت بعد تصاویری از سرهای بریده و گردن‌های خشکیده شهیدان کربلاء نشان داده می‌شود سپس اسامی چهارده معصوم علیهم السلام را برمی‌شمارد که عزادار حسین علیهما السلام هستند و همگی آن‌ها جانشان را در همین راه داده‌اند جز امام دوازدهم که مردم منتظر او می‌باشند. شاعر در بیت‌های بعد به مدح و ستایش اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد و همچنین کسانی را که نتوانستند از رحمت و بزرگی ایشان بهره‌مند شوند بلکه باعث آزار و اذیتشان گردیدند، سرزنش می‌کند. در ادامه تا پایان قصیده پیامبر ﷺ در روز محشر از قاتلین فرزندانش روی برمی‌گرداند و شکایت آنان را به خداوند عرضه می‌دارد و ظلم‌هایی که بر فرزندانش و دین اسلام کرده‌اند برمی‌شمارد و در پایان پیامبر ﷺ پروردگار را منادا قرار می‌دهند و می‌گویند: «پروردگارا امروز من رسول خدا ﷺ دشمن اینان هستم و مظلومانه نزد تو آمده‌ام و امروز روز قضاوت و داوری است.»

۳. قصیده «ألا لله بادرة الطلاب» (شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۱ ص ۱۷۳)

شریف رضی در این چکامه به اهل بیت علیهم السلام افتخار می‌کند و از قبرهای آنان سخن می‌گوید و شوق زیارت آن قبرها را به تصویر می‌کشد. این چکامه در ۵۸ بیت سروده شده است. در ابیات نخست شاعر به خود فخر و مباهات می‌کند و تصاویری متنوع از عظمت، بزرگی، شرف و شجاعت خود را به تصویر می‌کشد. بعد از مقدمه، تصویری از باران و ابرهای باران‌زا و فضای بارانی و صحراهای باران خورده نمایش داده می‌شود و قبرهای مبارک اهل بیت علیهم السلام را برمی‌شمارد و از خداوند می‌خواهد شهرهایی که این قبرها را دربر گرفته‌اند با آن بارانهایی که توصیف نمود سیراب گردند.

وَقَبْرًا بِالطُّفُوفِ يَضُمُّ شِلْوًا فَصَى ظَمًا إِلَى بَرْدِ الشَّرَابِ
وَسَامِرًا، وَبَعْدَادًا، وَطُوسًا هَطُولَ الْوَدْقِ مُنْخَرِقَ الْعُبابِ

قُبُورٌ تَنْظُفُ الْعَبْرَاتُ فِيهَا كَمَا نَظَّفَ الصَّبِيرُ عَلَى الرِّوَابِي

ترجمه: قبری در کربلا عضوی را در خود جای داده که تشنه آب از دنیا رفت. - در حالی که سامرا و بغداد و طوس از باران شدید و موجهای آب سرشارند. - اشک ها روی قبرها جاری می شوند همچون ریزش باران ها بر روی دشتها و تپه ها.

سپس باد جنوب، مورد خطاب شاعر قرار می گیرد و می گوید از من دور شو و شبانگهان که غم سنگین ترمی شود به سوی من نوز. در بیت بعد کینه ها در صورت انسان های مست مصور شده اند که جام بلا و مصیبت را بر اهل بیت علیهم السلام می چرخانند. در بیت های پایانی، تلاش خود را برای رسیدن به این قبور مطهره به تصویر در آورده است و مرکبش را که همسفر و همراه او در این سفر می باشد، توصیف می کند و تصویری از قبرهای امامین کاظمین و همچنین حالات درونی خویش را نسبت به این دو امام مصور می سازد و به مدح و ستایش امام علی علیه السلام می پردازد و مناقب و فضایل ایشان را به تصویر می کشد و می گوید:

آیا ماه شب چهارده با تاریکی پوشیده می شود و آیا نور خورشید با ابرومه از بین خواهد رفت؟

شریف رضی سرانجام در ابیات پایانی تصویری از شعرسرای خود مصور می سازد و می گوید:

در شعر به شما فخر می کنم نه به شعرسرای خود، اشعار من از زشتی ها و ناسزاهای خالی است البته من به خاطر شما دشمنان را هدف تیرهای شعر خود می سازم و در مقابل، هدف تیرهای دشنام و ناسزای دشمنان شما می گردم و ولایت شما را آشکارا اعلام می کنم و آن را مخفی نمی کنم و از دشمنان شما اظهار برائت می کنم و در ادامه به ولایت، محبت و نسب شریفش افتخار می کند.

۴. قصیده «وَرَاءَكَ عَنْ شَاكٍ قَلِيلٍ الْعَوَائِدُ» (شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۱، ص ۴۱۰)

این چکامه مرثیه ای است که شریف رضی آن را روز عاشورای سال ۳۹۵ هجری قمری در درثای امام حسین علیه السلام سروده است. این چکامه دارای بیست و شش بیت می باشد، در یک تقسیم بندی کلی، دو بخش می شود بخش اول شامل ابیات ابتدایی یا مقدمه و



بخش دوم موضوع اصلی می باشد. بخش نخست مقدمه ای غزلی است که سراسر اندوه و حزن است و با موضوع اصلی از نظر عاطفه و احساس و واژگان و عبارات هماهنگی تمام دارد با نگاه کلی تر می توان گفت که تمام قصیده رثاست حتی مقدمه غزلی آن هم رثای امام حسین علیه السلام است چرا که از نظر واژگان، عاطفه و عناصر ادبی دیگر، اتحاد و انسجام بین آن هاست پس این دو بخش، کاملاً جدای از یکدیگر نیستند. بعد از مقدمه، حسن تخلص چکامه می باشد در این بیت شاعر می گوید:

روز حسین علیه السلام را به خاطر آوردم و این روز تنها روزی نیست که از بنی امیه به ما رسیده است.

تَذَكَّرْتُ يَوْمَ السَّبِيحِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ وَمَا يَوْمُنَا مِنْ آلِ حَرْبٍ بِوَاحِدٍ

ترجمه: روز نوه هاشمیان را به یاد آوردم، روزهای غم و مصیبت ما از جانب خاندان ابوسفیان بسیار است.

در دو بیت بعد از حسن تخلص ذکر تشنگی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا و سیراب شدنش به وسیله بنی امیه می شود.

و ظَمَّ يُرْبِغُ الْمَاءَ قَدْ حِيلَ دُونَهُ سَقَوْهُ ذُبَابَاتِ الرِّقَاقِ الْبَوَارِدِ

أَتَا حَوْلَهُ مُرَّ الْمَوَارِدِ بِالْقَمَا عَلَى مَا أَبَا حَوْا مِنْ عَذَابِ الْمَوَارِدِ

ترجمه: تشنه ای که آب می خواهد و مانع نوشیدن آب او شدند و با تیزی و خنکی شمشیرهای بران به او آب دادند. - او را با نیزه ها بر آبشخورهای تلخ وارد کردند در حالی که آب برای همه مباح بود.

در بیت بعد آن علت جنایت بنی امیه را خلفای گذشته می داند و می گوید پایه های این ظلم را گذشتگان در سقیفه بنا کردند شاعر در بیت بعد تا پایان قصیده از ظلمی که در حق علویان و شریف رضی شده است شکایت می کند و آثار جنایت امویان در حق علویان را به تصویر می کشد. همچنین ظلم و ستم عباسیان را بر اهل بیت علیهم السلام بیش از امویان می داند. در ادامه می گوید: «ما علویان قطعاً انتقام خواهیم گرفت و انتقام ما بسیار سخت خواهد بود» و در پایان نفرت و بیزارای خویش را از بنی عباس ابراز می کند.

۵. قصیده «صاحت بذودی بغداد» (شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۱، ص ۵۱۶)

این چکامه مرثیه‌ای است که عاشورای سال ۳۷۷ هجری قمری در رثای حسین بن علی علیه السلام سروده شده است این چکامه شامل چهل بیت می‌باشد که شاعر در بیت‌های نخستین به خود فخر می‌ورزد و خود را برای رویارویی با مشکلات آماده می‌بیند و غم و اندوهی را که بر او مستولی شده به تصویر می‌کشد. سپس حسن تخلص شاعر آمده، در این بیت می‌گوید: «ناراحتی و اندوه تنها در روز عاشورا فهمیده می‌شود.»

فَقُلْتُ: هَيْهَاتَ! فَاتَ السَّمْعُ لَائِمَهُ لَا يُفْهَمُ الْحُزْنَ إِلَّا يَوْمَ عَاشُورِ

ترجمه: - پس گفتم دور باد، گوش دیگر سرزنش را نمی‌شنود و ناراحتی و غم تنها در روز عاشورا فهمیده می‌شود.

در هشت بیت بعدی، حالات امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نشان داده شده است آن زمان که با مرگ روبرو گشته‌اند و با نیزها و شمشیرها به سوی آب‌خور مرگ هدایت می‌شوند.

تَحْنُو عَلَيْهِ الرَّبِّيَ ظِلًّا وَتَسْتُرُهُ
عَنِ النَّوَظِرِ أَذْيَالُ الْأَعَاصِيرِ
تَهَابُهُ الْوَحْشُ أَنْ تَدْنُوا لِمَصْرَعِهِ
وَقَدْ أَقَامَ ثَلَاثًا غَيْرَ مَقْبُورِ

ترجمه: - دشت‌ها سایه‌شان را بر او می‌اندازند و دامن غروب او را از چشم‌ها پنهان می‌کنند. - هیبت او باعث می‌شود که حیوانات وحشی نزدیک قتلگاه او نشوند و سه روز بدون دفن در آن جا ماند.

در توصیف این حالات مدح و ستایش امام حسین علیه السلام مشاهده می‌شود. در دو بیت بعدی ابن زیاد و کاری که انجام داده مورد نکوهش واقع می‌شود و یزید سعی و تلاش ابن زیاد را نادیده می‌گیرد و تلاش می‌کند که جنایتش را جبران کند در حالی که این کار قابل جبران نیست.

در ابیات بعد شاعر به رثای اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد و مصائب ایشان را به تصویر می‌کشد. سپس بنی امیه مورد خطاب شاعر قرار می‌گیرند و آنان را به انتقام و خونخواهی تهدید می‌کند و حالات درونی و آمادگی‌اش را در انتقام گرفتن مصور می‌سازد و شاعر برای



تسلّی خاطرش از خود و دیگران می پرسد: «آیا رواست که هر روز ماهی از خاندان مصطفی با ضرب تیغ و سنان بر زمین افتد؟ آیا رواست هر روز چشمه زلال آنان با حوادث روزگار، تیره و تار گردد؟»

أَكُلُّ يَوْمٍ لَّالِ الْمِصْطَفَى قَمَرٌ يَهْوِي بِوَقْعِ الْعَوَالِي وَالْمَبَاتِيرِ
وَكُلُّ يَوْمٍ لَهُمْ يَيْضَاءٌ صَافِيَةٌ يشوبها الدهر من رنقٍ وتكدير

ترجمه: آیا رواست هر روز ماه رویی از خاندان پیامبر، با نیزه‌ها و شمشیرها بر زمین افتد. - آیا رواست تمام روزهای خوش و خرم آنان، به وسیله حوادث روزگار تیره و تار شوند. سپس به مدح و رثای امام حسین علیه السلام می پردازد و حالات درونی و ظاهری خود را که بر اثر این غم و غصه بر او عارض گشته مصوّمی سازد و در آغاز توصیف خود می گوید: «چیست که از چهره غمین و دیدگان فرورفته ام در شگفتی؟ جراح قلب عمیق گشته و التیام نمی گیرد.» و در پایان این قصیده می گوید: «تسلی خاطر بردل من حرام است، با آن که بر هیچ دلی حرام نباشد.»

۶. قصیده «رَاحِلٌ أَنْتَ وَاللَّيَالِي نَزُولٌ» (شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۲، ص ۱۶۳)

این چکامه در رثای امام حسین علیه السلام عاشورای سال ۳۸۷ ه. ق سروده شده است. چکامه دارای ۵۲ بیت می باشد. شاعریت های ابتدایی را به مقدمه ای حکمت آمیز اختصاص داده است و حکمت های متعددی درباره روزگار، گذشت عمر و مرگ بیان می کند و در پایان این مقدمه می گوید: «آرزوها برای کسی که گمان کند آن ها مایه سرگرمی و امید هستند، مایه حسرت و رنج است.» بعد از مقدمه، حسن تخلص شاعر و دروازه ورود به موضوع اصلی یعنی رثای امام حسین علیه السلام می باشد. شاعر در این بیت می گوید: «غول مرگ را چه باک است که کدامین عزیز را دریا بد، بعد از آن که پسر فاطمه را در ربود.» در دو بیت بعد روز عاشوراء را توصیف می شود و می گوید: «روزی است که حادثه ای بزرگ چشمان را خونین کرد روزی که نه دوست در آن روز کمک کرد و نه میزبان پناه داد.»

مَا يُبَالِي الْجِمَامَ أَيْنَ تَرَقَّى بَعْدَ مَا غَالَتْ ابْنَ فَاطِمَ عُوُلُ
أَيُّ يَوْمٍ أَدْمَى الْمَدَامِعَ فِيهِ حَادِثٌ رَائِعٌ وَخَطْبٌ جَلِيلُ

يَوْمُ عَاشُورَاءَ الَّذِي لَا أَعَانُ إِلَّا صَحْبُ فِيهِ وَلَا أَجَارَ الْقَبِيلُ

ترجمه: غول مرگ را چه باک است که کدامین عزیز را در یابد، بعد از آن که پسر فاطمه را در ربود. - کدام روز است که در آن روز حادثه ای هولناک و مصیبتی سنگین چشمها را خونین کرده است. - روز عاشورایی که نه دوستان کمک کردند و نه قبیله ها پناه دادند. سپس در ایات بعد آن هایی که در برابر امام حسین علیه السلام ایستادند مورد سرزنش و نکوهش شاعر قرار می گیرند و می گوید: «آنان مقدرات الهی را بهانه کردند، عذری بدتر از گناه آوردند، عذر خواستند و پشیمان گشتند، آیا پشیمانی دیگر سودی دارد؟» سپس وضعیت شمشیرها، نیزه ها و اسب های جنگی، که روز عاشوراء در میدان جنگ حاضر بودند مصور می شوند و شاعر نفس خویش را مخاطب می سازد و می گوید: «آیا گمان می کنی صورت خود را نهان سازم با آن که با خیل ستوران، بر سر و صورت او تاختند و آیا پنداری که از آب لذت برم در حالی که هنوز سینه دشمن از خون او سیراب نگشته است؟ و در بیت بعد شاعر به نیزه ها، شمشیرها و مرگ، شعور و جان می دهد و می گوید: «نیزه ها سینه اش را بوسه زدند، تیرها از شوق رخس به پرواز آمدند و ناوک شمشیرها در آغوشش نشستند.»

أُتْرَانِي أَعْيُرُ وَجْهِي صَوْنًا وَعَلَى وَجْهِهِ تَجُولُ الْحَيُولُ
أُتْرَانِي أَلْدُ مَاءً، وَلَمَّا يَزُومُنْ مُهْجَةَ الْإِمَامِ الْعَلِيلُ
فَبَلَّثَهُ الرِّمَاحُ وَأَنْتَصَلَّتْ فِيهِ مِنَ الْمَنَائِي، وَعَانَقَتْهُ النَّصُولُ

ترجمه: آیا مرا این گونه خواهی دید که چهره ام را حفاظت کنم در حالیکه بر چهره او اسبها می تازند. - آیا من از آب لذت ببرم در حالیکه تشنگی هنوز از جگر امام سیر نشده است. نیزه ها سینه اش را بوسه زدند، تیرها از شوق رخس به پرواز آمدند و ناوک شمشیرها در آغوشش نشستند.

بعد از این مفاهیم تصاویری دلخراش از اسارت زنان حرم پیامبر صلی الله علیه و آله مجسم می شود و در بیت پایانی این بخش می گوید: «ساربان اسیران، سختگیر و دل سنگ بود و هیچ گاه از کنار این زنان باحیا دور نمی شود و ناله یتیمان آرام نگیرد.»

وَالسَّبَايَا عَلَى التَّجَائِبِ تُسْتَا قِ وَقَدْ نَالَتِ الْجَيُوبُ الدِّيُولُ
 مِنْ قُلُوبٍ يَدْمَى بِهَا نَاطِرُ الْوَجْهِ سِدٍ وَمَنْ أَدْمَعِ مَرَاهَا الْهُمُولُ
 قَدْ سُلِبِنَ الْقِنَاعَ عَنْ كُلِّ وَجْهِ فِيهِ لِلصَّوْنِ مِنْ قِنَاعٍ بَدِيلُ
 وَتَنَقَّبْنَ بِالْأَنَامِلِ، وَالْدَّمُ عَعُ عَلَى كُلِّ ذِي نَقَابٍ دَلِيلُ

ترجمه: اسیران در حالی که سربرزانوی غم نهاده اند و سربرگریبان فروبرده اند، سوار بر شترها برده می شوند. - دل‌هایی که چشم غم، آن‌ها را خونین می‌کند و اشک‌هایی که جاری هستند. - نقاب از چهره آنان برداشته شده است ولی بر صورت آنان نقابی از عصمت وجود دارد که جایگزین آن نقاب است. - انگشتانشان را نقاب صورتشان قرار داده اند و اشک نشانه هر نقابدار است.

در بیت‌های بعد، امام حسین علیه السلام مورد خطاب شاعر قرار می‌گیرد و حال زارش را برای امام توصیف می‌کند و آرزو می‌کند «کاش در کنارت به خاک می‌رفتم یا تربتت را در چشم می‌ریختم.»

يَا غَرِيبَ الدِّيَارِ صَبْرِي غَرِيبٌ وَقَتِيلَ الْأَعْدَاءِ، نَوْمِي قَتِيلٌ
 بِي نِزَاعٍ يَطْعَى إِلَيْكَ وَشَوْقٌ وَغَرَامٌ وَزَفِيرَةٌ وَعَوِيلٌ
 لَيْتَ أَنِّي ضَجِيعُ قَبْرِكَ، أَوْ أ نَ نَرَاهُ بِمَدْمَعِي مَظْلُومٌ

ترجمه: ای غریب این سرزمین صبر من عجیب است ای کشته دشمنان خواب من کشته شده است (خواب ندارم). - در وجود من اشتیاق، عشق و آه و ناله‌ای به سوی موج می‌زند. - ای کاش من به جای تومی مردم و در قبر تو جای می‌گرفتم یا این که ای کاش خاک قبرش بر چشمان من ریخته می‌شد.

در دو بیت بعد بر مزار امام علیه السلام دعا می‌کند که همواره هر روز، مزارت به باران سیراب گردد بارانی نرم و هموار، همراه بادی لطیف و نسیمی خنک و سایه پردوام. سپس شاعر برای خونخواهی و انتقام از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بی‌تابی می‌کند و این بی‌تابی و ناشکیبایی را در این چند بیت به تصویر درآورده است و در پایان این بخش می‌گوید: «تار و پود قلبم با محبتش زیور بسته شده چونان موی سپید و سپیدی مو، که جز با مرگ درمان

نیابد.» در ابیات پایانی به پدران و نسب خویش، فضیلت، بلاغت، فصاحت و شاعریت خود فخر می‌ورزد و این فخرورزی را به زیبایی در این چند بیت به تصویر درآورده است.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی اشعار شیعی شریف رضی، این نتیجه حاصل شد که تقریباً تمام این اشعار با موضوع امام حسین علیه السلام و رثای ایشان سروده شده است به عبارت دقیق‌تر از میان شش قصیده بررسی شده، پنج قصیده در رثای امام حسین علیه السلام سروده شده و موضوعات دیگر شعر شیعی همچون مناقب اهل بیت علیهم السلام و دفاع از حقانیت شیعه با استدلال و احتجاج و موارد دیگر در حاشیه مرثیه‌ها آمده‌اند و تنها یک قصیده در رثای امام علیه السلام سروده نشده است هرچند که در این چکامه به موضوع عاشورا، کربلا و نهضت حسینی در کنار موضوعات دیگر شعر شیعی پرداخته شده است. پس می‌توان گفت تمام شعر شیعی شریف رضی در راستای زنده نگه داشتن نهضت حسینی و راه امام حسین علیه السلام سروده شده است. آن چه که بسیار مهم است زمان سرودن این اشعار است، شریف رضی غالب این چکامه‌ها را در ماه محرم سروده است. این خود نشانه‌ای است که شیعیان از همان قرن‌های نخستین مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را برگزار می‌کرده‌اند و برگزاری چنین مراسمی را به حکومت‌های شیعه همچون صفویان نمی‌توان منسوب کرد. به نظر می‌رسد که حکومت‌های شیعه برگزاری مراسم عزاداری را تقویت نمودند و موانع را برطرف کردند. نکته قابل توجه دیگر این است که ذکر مناقب و مصیبت‌های امام حسین علیه السلام محور اصلی شعر شیعی آن دوره به ویژه شعر شریف رضی است و به وسیله امام حسین علیه السلام شعر شیعی و اعتقادات شیعی ماندگار شدند. در حقیقت امام علیه السلام همچون شعله‌ای روشن و فروزان چراغ شیعه را تاکنون روشن نگه داشتند.



منابع

- ابن تغرى، يوسف. (١٩٦٣م). النجوم الزاهرة. مصر: دارالكتب.
- امين، احمد. (١٩٣٣م). ضحى الاسلام. بيروت: دارالكتاب العربى.
- امين عاملى، سيد محسن. (١٤٢١ق). اعيان الشيعة. بيروت: دارالتعارف.
- بحراني، ابن ميثم. (١٣٧٥ش). شرح نهج البلاغه. مترجم: محمدصادق عارف و همكاران. مشهد: بنياد پژوهشهاى اسلامى.
- حوفى، محمد احمد. (بى تا). ادب السياسة فى العصر الاموى. چاپ پنجم. قاهره: دار النهضة.
- دوانى، على. (١٣٥٩ش). سيد رضى مؤلف نهج البلاغه. تهران: بنياد نهج البلاغه.
- شريف رضى. (١٩٩٩م). ديوان. شرح وتعليق: دكتور محمود مصطفى حلاوى. بيروت: دارالارقم.
- طه حميده. عبدالحبيب. (١٩٨٦م). ادب الشيعة الى نهاية القرن الثانى الهجرى. چاپ دوم. مصر: مطبعة السعادة.
- قاضى نعمان. (١٩٧٦م). الفرق الاسلامية فى الشعر الاموى. مصر: دارالمعارف.
- كيلانى، محمد سيد. (١٩٩٦م). اثر التشيع فى الأدب العربى. چاپ دوم. قاهره: دار العرب.
- محاسنى، زكى. (١٩٦١م). شعر الحرب فى ادب العرب. قاهره: دارالمعارف.
- ميدانى. (بى تا). مجمع الأمثال. تحقيق: محى الدين عبد الحميد. بيروت: دارالمعرفة.